

www.csr.ir

مبارزه با تروریسم در شعار، ترویج آن در عمل

برخورد دوگانه در اوج ریاکاری*

نشده و ناخواسته‌ای در پی دارند که گاه در دواير اطلاعاتی به آنها لگد عملیات^(۴) اطلاق می‌شود. در این نوشته به موضوع این آثار و تبعات ناخواسته آنها که نهادهای مجری قانون را ناگزیر از مقابله با آنها ساخته است، می‌پردازیم. هنگامی که دولت‌ها مرتکب اعمالی می‌شوند که براساس قوانین خودشان جرم شناخته شده است یا زمانی که مقامات دولتی در راه اجرای وظایف خود قانون شکنی می‌کنند مرتکب جرم سازمان یافته دولتی می‌شوند.^(۵) هرچند دولت‌ها به ندرت مجرم بودن خود را بر ملا ساخته یا

جرایم سازمان یافته دولتی

ویلیام چمبلیس، رئیس انجمن جرم شناسی آمریکا^(۱)، در سخنرانی آغاز کار خود ضمن طرح مسئله «جرایم سازمان یافته دولتی»^(۲) این جرایم را چنین تعریف کرده است: «اعمالی که مأموران و مقامات دولتی یا حکومتی ضمن اجرای وظایف خود در مقام نماینده دولت مرتکب می‌شوند.»^(۳) به زعم چمبلیس دولت‌ها غالباً برای به کرسی نشاندن اهداف سیاست خارجی خود به قاچاق اسلحه و مواد مخدر، تبانی برای قتل و آدمکشی، اقدامات تروریستی و دیگر جرایم مبادرت می‌ورزند. گو این که به چنین اعمالی به رغم عدم مشروعیت شان می‌توان از منظر منافع مستقیم و فوری آنها نگرست، لیکن اقدامات یادشده اغلب نتایج و تبعات پیش بینی

* . نوشتار حاضر برگرفته از کتاب زیر است:

Michael D. Lyman and Gary W. Potter,
Organized Crime, N. J.: Prentice Hall, 2000,
pp. 376- 390.

سازمان‌های جنایی را تحمل می‌کند و اغلب نیز در آنها دست دارد.

در سال‌های اخیر آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا در صدد جلب کمک از قاچاقچیان مواد مخدر بوده، و به آن نیز دست یافته‌اند. هر چند مسلماً این اوج دورویی است که دولتی از یک سو به مبارزه با قاچاق توسط شهروندان خود پردازد و از سوی دیگر به دنبال جلب حمایت قاچاقچیان مواد مخدر باشد ولی چندان چیز عجیبی نیست. هر چه باشد همان‌طور که «چمبلیس» خاطر نشان می‌سازد قاچاق موفقیت‌آمیز مواد مخدر، همان ویژگی‌هایی را دارد که برای موفقیت عملیات جاسوسی و اطلاعاتی ضروری است.^(۷) هر دوی این فعالیت‌ها مستلزم جابه‌جایی سریع و مخفیانه حجم عظیمی از کالاها، پول و بسته‌های پستی می‌باشند؛ افرادی که موقتاً برای فعالیت‌های غیر قانونی و سری به کار گرفته می‌شوند باید از قدرت تشخیص و وفاداری بالایی برخوردار باشند؛ و برای تضمین امنیت عملیات از زور و خشونت استفاده می‌شود.

تروریسم دولتی و سیاست خارجی ایالات متحده ایران

برای سرنگون ساختن نخست وزیر ایران، دکتر محمد مصدق که در سال ۱۹۵۳ به شیوه‌ای دموکراتیک انتخاب شده بود سازمان سیا به توطئه‌ای شوم و بزرگ دست زد.^(۸) مصدق پس از انتخاب به مقام نخست وزیری چند شرکت

سیاهه‌ای از اعمال غیر قانونی ارتكابی خود نگه می‌دارند ولی هم از نظر تاریخی و هم با نگاه به رویدادهای معاصر روشن است که جرایم سازمان‌یافته دولتی نه پدیده جدیدی است و نه رویدادی نادر. جرایم سازمان یافته دولتی به ویژه در عملیات سری آژانس‌های اطلاعاتی به چشم می‌خورد.

هر اقدام و عملیات دولت که مدت‌ها از انظار عموم پنهان نگه داشته شود و از نظارت پارلمان مخفی بماند لزوماً از نظر پشتیبانی و تأمین مالی عملیات، به فعالیت‌های مجرمانه وابسته خواهد شد. سری بودن عملیات صرفاً به این دلیل که عملیاتی مخفی است که با مجوز دولت انجام می‌گیرد همه شرایط را برای فعالیت مجرمانه سازمان یافته فراهم می‌سازد.^(۹) فعالیت‌های اطلاعاتی سری تحت بررسی دقیق و نظارت معمول مراجع مجری قانون قرار نمی‌گیرد. عبور از گمرک می‌تواند از طریق مجاری رسمی تسهیل شود. در عملیات سری روش‌های معمول حسابداری مالی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. می‌توان با ادعای ارتباط موضوع با «امنیت ملی» تحقیقات نهادهای مجری قانون را از مسیر خود منحرف ساخت. و سرانجام سازمان‌دهندگان چنین عملیاتی افرادی را با مهارت‌های لازم برای انجام مأموریت محوکه استخدام می‌کنند؛ افرادی که اغلب آنها مجرمین حرفه‌ای هستند. عملیات سری، نوعاً با همکاری شبکه‌های جنایی زیرزمینی ریشه‌دار انجام می‌شود. و دولت بانی عملیات هم دست کم فعالیت‌های مجرمانه متحدها خود در

گواتمالا

نفتی خارجی راملی کرد. دولت او به شرکت‌های نفتی پیشنهاد پرداخت غرامت را کرده بود، اما دولت آیزنهاور استقلال‌طلبی رهبران خارجی را تحمل نمی‌کرد و برای براندازی حکومت مصدق و جایگزینی آن با رژیم سلطنتی محمد رضا شاه پهلوی، رشته عملیاتی را آغاز نمود. در ازای حمایت ایالات متحده از کودتا، شاه قول داد، بیش از ۵۰ درصد تولید نفت ایران را تحت نظارت و کنترل شرکت‌های نفتی آمریکایی در آورد. بعد از سرنگونی دولت مردمی مصدق و به قدرت رسیدن شاه، سیا به تشکیل، آموزش نفرت و تأمین مالی ساواک، نیروی پلیس مخفی تبهکار و وفادار شاه، کمک کرد. ساواک بیش از ۱۵۰۰ نفر را در عرض یک ماه پس از به قدرت رسیدن شاه دستگیر کرد. در ۵ ژوئن ۱۹۵۳ ساواک حدود ۶۰۰۰ تن از شهروندان ایرانی را در ظرف یک روز به قتل رساند.^(۹) شکنجه در زندان‌ها معمول بود و عفو بین‌الملل اعلام کرد که «هیچ کشوری در جهان پرونده‌ای سیاه‌تر از ایران در زمینه حقوق بشر ندارد.»^(۱۰)

هرچند شرکت‌های نفتی آمریکایی و تاجران اسلحه این کشور از سلطنت شاه سود می‌بردند (ایران ۱۷ میلیارد دلار تجهیزات نظامی از ایالات متحده خریداری کرد)، هزینه نهایی کودتا را تنها می‌توان با ملاحظه تأثیر انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ که رژیم شاه را سرنگون ساخت برآورد کرد. دولت انقلابی ایران سیاستی شدیداً ضد آمریکایی پیشه کرد که برای ایالات متحده آمریکا بسیار گران تمام شد.

مأمور سیا و ۴ تا ۶ هزار کوبایی تبعیدی در یک رشته حملات تروریستی به کوبا اقدام به تخریب شرکت‌ها و تصفیه‌خانه‌های شکر و نفت نمودند. گذشته از این، عملیات قتل و آدم‌کشی هم که در چارچوب «عملیات ۴۰» آغاز شده بود همچنان ادامه یافت.

در سال ۱۹۶۵ در نتیجه برملاشدن این واقعیت که از هواپیمای عملیات JM/Wave برای قاچاق مواد مخدر استفاده می‌شود عملیات یاد شده متوقف شد و هزاران کوبایی تبعیدی بسیار آموزش دیده که از نظر سیاسی دیدگاه‌های کهنه پرستانه‌ای داشتند در ایالات متحده به حال خود رها شدند. پیامدهای نامطلوب و ناخواسته عملیات JM/Wave قابل ملاحظه بود. برخی از این تبعیدی‌های آموزش دیده توسط سیا، به اقدامات تروریستی رو آوردند به طوری که تنها در سال ۱۹۷۵ تعداد ۲۵ تا ۳۰ مورد بمب‌گذاری در دیدکانتی^(۲۲) فلوریدا انجام شد و دیپلمات‌های کوبایی در گوشه و کنار جهان به قتل رسیدند.^(۲۳) سایر شرکت‌کنندگان در عملیات JM/Wave که سیا به آنها آموزش‌هایی در زمینه شیوه‌های قاچاق مواد مخدر و اعمال خشونت داده بود به جنایات سازمان یافته رو آوردند، در نیوجرسی و فلوریدا سندیکا‌های بزرگ قمار بازی بر پا کردند، و تشکیلاتی سرّی برای قاچاق کلان کوباییین توسط گروه‌های سازمان یافته جنایی کوبایی و کلمبیایی ایجاد نمودند.

شیلی

در سال ۱۹۷۲ سیا از قرار معلوم به عنوان بخشی

نیروهای نظامی ایالات متحده از آن پشتیبانی می‌کردند.

کوبا

در سال ۱۹۵۹ «فیدل کاسترو»^(۱۴) دیکتاتور سابق کوبا «فول‌ژنسیا باتیستا»^(۱۵) را سرنگون کرد. «باتیستا» روابط دوستانه‌ای با شرکت‌های آمریکایی و گروه‌های دست‌اندر کار در جرایم سازمان‌یافته از جمله اداره قمارخانه‌های بزرگ، روسپی‌خانه‌ها، و قاچاق مواد مخدر در خارج از هاوانا داشت.^(۱۶) این بار هم دولت آیزنهاور، تصمیم گرفت برای حل مشکل (سرنگون ساختن کاسترو) سازمان سیا را به خدمت بگیرد. در گام نخست، سیا در چارچوب عملیات موسوم به «عملیات ۴۰»^(۱۷) به آموزش تاکتیک‌های تروریستی به کوبایی‌های تبعیدی ضد کاسترو مبادرت ورزید. «عملیات ۴۰» شامل حملات تروریستی به کوبا، تلاش برای کشتن رهبران کوبا، و اتحاد با چهره‌های سرشناس جرایم سازمان یافته یعنی «سام جیانکانا»^(۱۸)، «سانتو ترافیکانته»^(۱۹) و «جانی روسلی»^(۲۰) برای کشتن خود «کاسترو» بود.

در آوریل ۱۹۶۱ کوبایی‌های تبعیدی که توسط سیا آموزش دیده بودند در خلیج خوک‌ها^(۲۱) تهاجم خود را آغاز کردند. این عملیات به یک فاجعه نظامی ختم شد و بیشتر نیروهای نظامی مهاجم دستگیر یا کشته شدند. شکست تهاجم به خلیج خوک‌ها باعث تغییر تاکتیک‌ها بر ضد کوبا شد. «عملیات ۴۰» جای خود را به عملیات «JM/Wave» داد، عملیاتی که در آن حدود ۳۰۰

از تعهد کلی سیاست خارجی ایالات متحده به ترویج دموکراسی در اکناف جهان، براندازی حکومتی دیگر را که به شیوه‌ای دموکراتیک انتخاب شده بود، در دستور کار خود قرار داد. این بار هدف اصلی رئیس جمهور منتخب شیلی، سالوادور آلنده،^(۲۴) بود. آلنده در ۱۹۷۰ به ریاست جمهوری شیلی برگزیده شده بود. بلافاصله پس از انتخاب او، شرکت آی تی اند تی^(۲۶) که سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در بخش معادن شیلی کرده بود به همراه سیا، اقدامات خود را برای بی‌ثبات کردن اقتصاد و حکومت آلنده آغاز نمودند. اقدامات آنها خسارات زیادی به اقتصاد شیلی وارد ساخت، ولی نتوانست دولت آلنده را ساقط کند. در ۱۹۷۳ سیا تغییر تاکتیک داد و با نظامیان شیلی برای سرنگونی آلنده از طریق کودتایی کرد. در این کودتا آلنده به همراه ۳۰ هزار تن از شهروندان شیلی کشته شدند. نهادهای دموکراتیک که آلنده ایجاد کرده بود منحل شد و ژنرال پینوشه^(۲۷)، مردی که خود را خلف «آدولف هیتلر» می‌دانست رژیم سرکوبگر بی‌سابقه‌ای را بر شیلی حاکم کرد. رژیم پینوشه بیش از ۱۰۰ هزار شیلیایی را زندانی کرد و ۲۰ هزار نفر دیگر را به قتل رساند.

عملیات کندور

مشارکت سازمان اطلاعات آمریکا در جرایم سازمان یافته

پیوندهای فعال میان گروه‌های مختلف دست‌اندر کار جرایم سازمان یافته و دولت ایالات متحده را دست کم می‌توان از جنگ جهانی دوم به این‌سورددگیری کرد. در طول جنگ یادشده اداره اطلاعات نیروی دریایی آمریکا^(۳۱) از چهره‌های سرشناس جرایم سازمان یافته نیویورک یعنی «می‌یرلنسکی»^(۳۲)، «آلبرت آناستازیا»^(۳۳) و «لاکی لوچیانو»^(۳۴) خواست تا به آن اداره در عملیات ضد جاسوسی در سواحل نیویورک کمک کنند. چنین زد و بندهایی طبق برخی ادعاها در طول جنگ جهانی دوم آغاز شد؛ زمانی که مقامات اطلاعاتی نیروی دریایی از این چهره‌های زیرزمینی که کنترل لنگرگاه‌های نیویورک را در دست داشتند خواستند تا نگذارند زیر دریایی‌های آلمانی و عوامل بیگانه به آن منطقه رخنه کنند. مقامات یاد شده اعتقاد داشتند که پا اندازان و روسپیان ساحل نیویورک می‌توانند مانند نوعی گروه ضد جاسوسی عمل کنند. فردی که از کمک وی برای این منظور استفاده شد «لوچیانو» بود. بنا به گزارش‌ها وی

به ریاست جمهوری شیلی برگزیده شده بود. بلافاصله پس از انتخاب او، شرکت آی تی اند تی^(۲۶) که سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در بخش معادن شیلی کرده بود به همراه سیا، اقدامات خود را برای بی‌ثبات کردن اقتصاد و حکومت آلنده آغاز نمودند. اقدامات آنها خسارات زیادی به اقتصاد شیلی وارد ساخت، ولی نتوانست دولت آلنده را ساقط کند. در ۱۹۷۳ سیا تغییر تاکتیک داد و با نظامیان شیلی برای سرنگونی آلنده از طریق کودتایی کرد. در این کودتا آلنده به همراه ۳۰ هزار تن از شهروندان شیلی کشته شدند. نهادهای دموکراتیک که آلنده ایجاد کرده بود منحل شد و ژنرال پینوشه^(۲۷)، مردی که خود را خلف «آدولف هیتلر» می‌دانست رژیم سرکوبگر بی‌سابقه‌ای را بر شیلی حاکم کرد. رژیم پینوشه بیش از ۱۰۰ هزار شیلیایی را زندانی کرد و ۲۰ هزار نفر دیگر را به قتل رساند.

در یکی از مخرب‌ترین نمونه‌های جرم سازمان یافته دولتی که حکومت ایالات متحده در آن دست داشت، سیا به همراه دستگاه‌های پلیس مخفی شش کشور آمریکای لاتین توطئه شناسایی، ردگیری و قتل ناراضیان سیاسی در

در جلوگیری از خرابکاری یا هر اقدام دیگری که می‌توانست باراندازهای نیویورک را طی جنگ به مخاطره افکند، کاملاً موفق بود. لوچیانو با این‌که در سال ۱۹۳۶ به اتهام وادار ساختن زنان به فاحشگی بازداشت و محکوم شده بود، در سال ۱۹۵۴ مورد عفو قرار گرفت و در ازای کمک‌هایی که در طول جنگ از سلول خود در زندان کرده بود مجازات وی به تبعید دائم تخفیف یافت.^(۳۵)

ا.اس. اس. در ایتالیا و ماریسی

در طول جنگ جهانی دوم، نظامیان آمریکا در تهاجم به سیسیل هم، از مجرمان سازمان یافته کمک گرفتند. سندیکاهای جرایم سازمان یافته

نیویورک، اعضای خود را به درخانه‌های ایتالیایی تباران ساکن نیویورک فرستادند و برای کمک به اطلاعات نظامی، نامه‌ها، نقشه‌ها، تصاویر و کارت پستال‌هایی را که تازه از سیسیل رسیده بود، جمع‌آوری کردند.^(۳۶)

از این گذشته «ویتورژنوس»^(۳۷) که در ایتالیا در تبعیدی خود خواسته زندگی می‌کرد تصمیم گرفت دو جبهه را به جان میانه‌روها اندازد. در حالی که وی برای جلب نظر موسولینی پول زیادی صرف کرده و تلاش‌های متملقانه‌ای انجام داده بود فرصت را غنیمت شمرد تا خود را به ایالات متحده نزدیک کند. «ژنوس» بعد از تهاجم ایالات متحده به ایتالیا به عنوان «مشاور غیررسمی حکومت نظامی آمریکا» عمل نمود.^(۳۸) وی به ارتش آمریکا کمک کرد تا سیاستمداران دست راستی علاقمند به جرایم سازمان یافته را

در ایتالیاشناسایی کند و باگماردن آنها در مناصب رسمی ایتالیا، سپری در برابر حمایت مردم از احزاب سیاسی سوسیالیست ایجاد نماید. این همکاری بعد از جنگ در دهه ۱۹۵۰ نیز ادامه یافت زیرا دولت ایتالیا کمونیسم را تهدید تازه‌ای برای خود می‌دانست. هم گروه‌های فعال در جرایم سازمان یافته و هم سردمداران سیاست خارجی ایالات متحده از همکاری با «ژنوس» سود می‌بردند. سیاستمداران ایتالیایی مخالف سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها با کمک مجرمان سازمان یافته، قدرت خود را حفظ کردند. و به همین دلیل عملاً دولت ایتالیا تقریباً چهل سال به مجرمان سازمان یافته «مجوز ارتکاب جرم» داد.

در اوایل دهه ۱۹۵۰ نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا بار دیگر در صدد جلب همکاری چهره‌های فعال جرایم سازمان یافته، البته این بار در فرانسه برآمدند. فرانسه برای جلوگیری از استقلال مستعمره خود، ویتنام، درگیر جنگ شده بود. با وجود این، کارگران سوسیالیست شاغل در بارانداز ماریسی از بارگیری اقلام و تجهیزات نظامی در کشتی‌های عازم ویتنام خودداری می‌کردند. در این وضعیت، سیاست خارجی ایالات متحده از دو سو در معرض خطر قرار گرفت. نخست، اگر فرانسه نمی‌توانست در ویتنام در مقابل «هوشی مینه»^(۳۹) و «ویت مینه»^(۴۰) مقاومت کند، سیاست‌هایی که برای جلوگیری از کمونیسم پی‌ریخته بود مخدوش می‌گردید. دوم، خود دولت فرانسه، به عنوان یکی از هم‌پیمانان مهم ایالات متحده، از سوی ائتلاف انتخاباتی

احتمالی سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و به واسطه تسلط حزب کمونیست بر اتحادیه‌های کارگری، در معرض تهدید بود. حمله به اتحادیه باراندازان فرانسه که یکی از قدرتمندترین اتحادیه‌های چپ گرا بود این هر دو خطر را برطرف می‌کرد. افسران اطلاعاتی ایالات متحده با سندیکا‌های جرایم سازمان یافته جزیره «کورس»^(۴۱) که به شدت در زمینه روسپیگری، فساد و تبهکاری فعال بودند تماس برقرار کردند و از آنها برای شکست دادن اتحادیه باراندازان فرانسه کمک خواستند. بزهکاران جزیره کورس با تشکیل جوخه‌های مرگ، به اعتصاب‌کنندگان حمله کردند و به بدرفتاری با رهبران اتحادیه و حتی قتل آنها مبادرت ورزیدند. و سرانجام با منحل ساختن آن اتحادیه به دولت فرانسه امکان دادند جنگ ویتنام را از سرگیرد و به همراه آن، مقدمه‌ای برای درگیری خود در یک دهه بعد فراهم آوردند. دستمزد گانگسترهای کورس چشمگیر بود. آنها اجازه یافتند از ماری به عنوان مرکزی برای قاچاق هرویین استفاده کنند. بدین ترتیب گروه‌های جنایتکار «کورسی» نه تنها کار تازه و پرسودی پیدا کردند بلکه «ارتباط فرانسوی» بدنامی را ترتیب دادند، که طی بیست سال بعد بخش اعظم نیازهای هرویین آمریکا را تأمین می‌کرد.^(۴۲)

سیا در جنوب شرقی آسیا

پیوندهای میان آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده و قاچاقچیان مواد مخدر دست کم از اوایل دهه ۱۹۵۰ پا گرفت. سیا از کومین تانگ^(۴۳) در طول جنگ ویتنام، سیا کمک‌های تدارکاتی و مالی در اختیار ارتش یاغیان لائوس مرکب از اعضای قبیله همونگ^(۴۴)، (می‌یو)^(۴۵) گذاشت و از آنها حمایت کرد. «ژنرال وانگ پائو»^(۴۵) فرماندهی این ارتش سری ۳۶ هزار

از مجاهدین افغان آغاز کرد. مانند «رزمندگان آزادی» نیکاراگوئه، مجاهدین افغان نیز بودجه جنگ خود را با قاچاق مواد مخدر که در این مورد تریاک بود تأمین می‌کردند. رهبران مجاهدین برکشت خشخاش نظارت می‌کردند و با همکاری سیا که برای رساندن سلاح به مجاهدین، راه‌های تجاری را از نو گشوده بود مواد مخدر را راهی بازارهای جهانی می‌کردند. نتیجه سرجمع کمک سیا به شورشیان افغانی این بود که به گزارش وزارت امور خارجه آمریکا مناطقی از افغانستان و پاکستان که تحت کنترل آنها قرار داشت تا سال ۱۹۸۶ به مرکز صدور هرویین به ایالات متحده آمریکا و اروپا تبدیل شده بود.

سیا و تطهیر در فلوریدا و حوزه کارائیب

متحدان سیا در کارائیب، از جمله سلسله جنبان عملیات بدفرجام خلیج خوک‌ها، نقشی کلیدی در عملیات بانک کاسل^(۶۲) در فلوریدا داشتند که مؤسسه تطهیر پول حاصل از جرم سازمان یافته قاچاق مواد مخدر بود. کلمبیایی‌ها برای تطهیر پول حاصل از تجارت کوکائین از بانک پیرین^(۶۳) هم که یکی دیگر از بانک‌های فلوریدا با ارتباطات نیرومند نهادهای اطلاعاتی بود استفاده می‌کردند. سیا و مجرمان سازمان یافته نقشی کلیدی در تشکیل و فعالیت شرکت مالی جهانی^(۶۴) داشتند. این شرکت مستقر در فلوریدا، در تطهیر پول حاصل از قاچاق مواد مخدر، و پشتیبانی از فعالیت‌های تروریستی دست داشت.^(۶۵)

نفری را در جنگ با پات لائو^(۵۶) که هدف آن قطع راه‌های ارسالی تدارکات ویتنام شمالی برای جنگجویان ویت کنگ^(۵۷) در ویتنام جنوبی بود برعهده گرفت. ارتش وانگ پائوتحت فرماندهی افسران کارآموده سیا قرار داشت و کلاً به کمک پول‌های ایالات متحده تأمین تدارکاتی، مالی و تجهیزاتی می‌شد. ارتش وانگ پائو به عنوان بخشی از «کمک»هایی که به سرویس اطلاعاتی ایالات متحده می‌کرد برنامه بی‌رحمانه قتل و آدم‌کشی رهبران روستایی را به اجرا گذاشت. افراد قبیله وانگ پائو از دیر باز دست‌اندرکار کشت خشخاش بودند. جنگ در تجارت تریاک آنها مشکل ایجاد کرد. از این رو، سیا هواپیماهای شرکت ایر آمریکا^(۵۸) را که مالک آن خود سیا بود به خدمت گرفت تا محصول تریاک آنها را از ارتفاعات لائوس به پایگاه بزرگ سیا در «لانگ‌تی‌ینگ»^(۵۹) لائوس ببرد. در لانگ‌تی‌ینگ، وانگ پائو یک کارخانه بزرگ تولید هرویین ایجاد کرده بود. به گفته «جان جی انیل»^(۶۰)، مدیر منطقه‌ای شرق دور اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا «من هیچ تردیدی ندارم که از هواپیمایی ایر آمریکا برای حمل تریاک استفاده می‌شد.»^(۶۱) بخشی از هرویین لائوس به ویتنام جنوبی حمل و در آنجا به نیروهای ایالات متحده فروخته شد. ۲۰ درصد این نیروها در حالی به وطن بازگشتند که معتاد به هرویین بودند.

سیا در آسیای جنوب غربی

در دهه ۱۹۸۰ سیا عملیاتی را نیز برای پشتیبانی

بانک نیوگان - هند

نیست.^(۷۶) بانک بین‌المللی اعتبار و بازرگانی هفتمین بانک بزرگ خصوصی در جهان بود. این بانک بیش از ۴۰۰ شعبه فعال در هفتاد و سه کشور جهان داشت. از جمله فعالیت‌های مجرمانه متعدد این بانک، تطهیر دست کم ۱۴ میلیارد دلار برای کارت‌های کوکابین کلمبیایی، تسهیل معاملات مالی برای مانوئل نوریگا^(۷۷) رئیس‌جمهور پاناما و عدنان قاشقچی^(۷۸)، تاجر بین‌المللی اسلحه، ارسال پول برای کتراها^(۷۹) جهت خرید غیرقانونی اسلحه و قاچاق مواد مخدر، و کمک به رئیس‌جمهور فیلیپین فردیناند مارکوس^(۸۰) برای انتقال دارایی شخصی (که حاصل از رشوه و فساد بود) به خارج از فیلیپین بود.

با وجود وسعت و شدت جرایم بانک بین‌المللی اعتبار و بازرگانی و نقش کلیدی آن در قاچاق مواد مخدر، وزارت دادگستری آمریکا هیچ تمایلی به تحقیق و بازرسی در مورد فعالیت‌های این بانک نداشت. در واقع، حتی ۳ سال قبل از شروع تحقیقات وزارت دادگستری، اطلاعات کاملی در مورد فعالیت‌های این بانک در زمینه قاچاق و خرید و فروش تسلیحات و دارایی‌های غیرقانونی آن در ایالات متحده وجود داشت. شاید بتوان بی‌میلی مجریان قانون در آمریکا به مداخله در کار چنین نهاد غول‌پیکر فعال در زمینه جرایم سازمان‌یافته را ناشی از شمار فراوان «دوستان» بانک بین‌المللی اعتبار و بازرگانی در رده‌های بالای حکومت ایالات متحده دانست.

بیشتر پول‌هایی که از همکاری سیا با قاچاقچیان مواد مخدر در مثلث طلایی به دست می‌آمد از طریق بانک نیوگان - هند^(۶۶) استرالیا تطهیر می‌شد. شبکه‌ای از افسران بلند پایه نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده با بانک نیوگان - هند که یک کمیسیون تحقیق استرالیایی آن را به قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، تطهیر پول و کلاهبرداری‌های هنگفت متهم کرده بود ارتباط داشتند.^(۶۷) جان‌اتان کویتنی^(۶۸) در تحقیقات خود در مورد بانک نیوگان - هند، بانک را متهم کرد که میلیارد‌ها دلار را تطهیر کرده است و به تأمین مالی تجارت هرویین در مثلث طلایی کمک کرده و در کلاهبرداری مالیاتی و سرقت دست داشته است.^(۶۹)

مقامات بلند پایه این بانک «هرویین» چه کسانی بودند؟ رئیس نیوگان - هند در یادار بازنشسته ایالات متحده «ارل اف. پیتز»^(۷۰) بود. مشاور حقوقی بانک، رئیس سابق سیا «ویلیام کُلبی»^(۷۱) بود. مشاوران بانک شامل معاون سابق سیا «والتر مک‌دونالد»^(۷۲)، مشاور سابق شورای امنیت ملی «گای پارکر»^(۷۳)، و «آندره لوه»^(۷۴) یکی از بزرگ‌ترین قاچاقچیان هرویین بودند.

بانک بین‌المللی اعتبار و بازرگانی

رابطه نزدیک میان دولت ایالات متحده، جامعه مالی و مجرمان سازمان‌یافته هیچ جاروشن تراز فعالیت‌های بانک بین‌المللی اعتبار و بازرگانی^(۷۵)

گروه‌های کوبایی فعال در زمینه جرایم سازمان یافته

وقتی «فول ژنسیا باتیستا» دیکتاتور کوبا در سال ۱۹۵۹ به دست فیدل کاسترو سرنگون شد سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده عملیات مخفیانه گسترده‌ای را برای برکناری کاسترو از قدرت آغاز کردند. دولت آمریکا برای کمک به حملات نظامی و تروریستی به کوبا، هم پیمانان قبلی باتیستا را از میان کوبایی‌های پناهنده شده به ایالات متحده و اعضای باندهای سازمان یافته جنایی استخدام کرد. مجرمان سازمان یافته منافع چشمگیری در کوبا داشتند. پیش از انقلاب، آنها با مشارکت باتیستا هاوانا را به مرکز بزرگ قماربازی، روسپی‌گری و قاچاق مواد مخدر مبدل کرده بودند. بعد از انقلاب چهره‌های سرشناس جرایم سازمان یافته زندانی یا از کوبا تبعید شدند و بدین ترتیب میلیون‌ها دلار به این باندهای جرایم سازمان یافته خسارت وارد شد.

مهاجم، سیا و متحدانش به تاکتیک‌های دیگری توسل جستند تا مگر دولت کوبا را متزلزل سازند. کوبایی‌های ضد کاسترو از نو در چندین عملیات سرّی سازماندهی شدند که هدف اصلی آنها انجام اقدامات تروریستی بر ضد کوبا بود. در تصفیه خانه‌های شکر و نفت بمب‌گذاری شد، محموله‌های شکر مسموم گردید و زیرساخت‌های کوبا با انجام حملات تروریستی دچار اختلال گشت. اما مشارکت علنی وابستگان باتیستا و چهره‌های سرشناس جرایم سازمان یافته در این تلاش‌ها منشاء اصلی شرمساری دولت ایالات متحده بود. در اوایل دهه ۱۹۷۰ زمانی که یکی از هواپیماهای مورد استفاده کوبایی‌های ضد کاسترو در کالیفرنیا با چند کیلوگرم کوکائین و هروین سقوط نمود اقدامات تروریستی بر ضد کاسترو متوقف شد.^(۸۳)

ماجرای ایران کنترا

دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان به لحاظ دو رویداد برجسته احتمالاً کماکان در خاطره‌ها باقی خواهد ماند: ۱- «جنگ با مواد مخدر» در خود ایالات متحده و ۲- جنگ در آمریکای مرکزی که هدف آن سرنگون ساختن حکومت سان‌نیست‌های^(۸۴) نیکاراگوئه به دست ائتلافی از گروه‌های شبه نظامی موسوم به کنتراها بود. در دوره ریگان، تلاش‌های مجریان قانون در جهت مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر شدت بیشتری یافته بود و سخاوتمندانه تأمین

در ابتدا، سیا، کوبایی‌های ضد کاسترو، و گروهی از اراذل و اوپاش در طرح‌هایی که هدف آنها تهاجم پناه جوین کوبایی به کوبا بود با هم همکاری داشتند. ارتش سرّی که برای این منظور تشکیل شد و به «بریگاد ۲۵۰۶»^(۸۱) مشهور گشت تحت هدایت و فرماندهی «مانوئل آرتایم»^(۸۲) یکی از رهبران کوبایی‌های ضد کاسترو در میامی قرار گرفت. در ۱۹۶۲، بریگاد ۲۵۰۶ تهاجمی مصیبت بار را به خلیج خوک‌ها ترتیب داد. با شکست و پراکنده شدن نیروهای

مالی می‌شد. قوانین جدید و سختگیرانه‌ای هم که برای زندانی کردن مصرف‌کنندگان مواد مخدر وضع شده بود از این تلاش‌ها حمایت می‌کرد. دوران ریاست جمهوری ریگان شاهد تلاش‌های گسترده‌ای برای ممنوع ساختن مصرف مواد مخدر، ریشه‌کن ساختن کشت این مواد، و اجرای قانون در سطح خیابان‌ها بود که تبلیغات روابط عمومی با شعار «تنها بگونه» تحت ریاست نانسی ریگان^(۸۵) بانوی اول ایالات متحده آن را تکمیل می‌کرد.

با توجه به آن همه پول، انرژی و وقتی که دولت ریگان صرف مبارزه با مصرف غیرقانونی مواد مخدر می‌کرد، امروزه درک این حقیقت نسبتاً مایه شگفتی است که در همان زمان که مجریان قانون فدرال در خاک آمریکا به جنگ مخدر رفته بودند مدیران سیاست خارجی دولت ریگان جنگی را در آمریکای مرکزی به راه انداخته بودند که مخارجش از محل قاچاق مواد مخدر تأمین می‌شد. پس از پایان دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان دلایل متقنی که از سوی محققان، روزنامه نگاران و کمیته‌های داخلی کنگره ایالات متحده ارائه شد حاکی از آن بود که هزینه‌های جنگ پنهان کنترها با دولت نیکاراگوئه تا حد زیادی از راه‌های ذیل تأمین می‌شد:

- ۱- پولی که مستقیماً از قاچاقچیان مهم کوبکین به دست کنترها می‌رسید؛
- ۲- طرح «اسلحه در ازای مواد مخدر» که کارتل‌های کوبکین در آن دست داشتند؛
- ۳- قاچاق مستقیم مواد مخدر توسط شماری از

رهبران کنتر. وانگهی، اکنون آشکار شده است که بودجه‌ای که دولت ایالات متحده برای کمک‌های بشردوستانه به کنترها تخصیص داده بود مستقیماً به دست قاچاقچیان نامدار مواد مخدر می‌رسید.

«ماجرای ایران - کنتر» پرسش‌های جالبی را درباره اولویت‌های دولت ایالات متحده به ذهن متبادر می‌سازد: آیا دولت ریگان بیش از جلوگیری از قاچاق مواد مخدر علاقمند به جنگ با آنچه خود تهدید کمونیستی می‌دانست نبود؟ آیا دولت ریگان بر این باور بود که می‌تواند به هردوی این هدف‌ها دست یابد؛ حال آن که سرانجام دریافت که نتوانسته است به هیچ یک دست پیدا کند؟ آیا دولت ریگان عمدتاً به حمایت از فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های آمریکایی و ثروتمندان ایالات متحده علاقمند بود و از همین رو جنگ با مواد مخدر را در پای حرص و آز بخش خصوصی قربانی کرد؟ آیا افراد مختلف در مؤسسات گوناگون دولت آمریکا از آن‌رو پی‌گیر سیاست‌های ضد و نقیض بودند که تعارض، جنبه اجتناب‌ناپذیر زندگی اقتصادی و سیاسی معاصر است؟^(۸۶) نمی‌توان با قطع و یقین گفت که کسی، از جمله رئیس‌جمهور ایالات متحده از پیامدهای سیاست‌های مختلفی که تعقیب می‌شد آگاه بوده‌است. آنچه می‌توانیم به طور قطع بگوییم این است که سیاست خارجی ایالات متحده چه با هدف مهار کردن کمونیسم صورت گرفته بود یا برای توسعه

منافع بخش خصوصی، منجر به کمک‌رسانی و همدستی همان دولتی در قاچاق مواد مخدر شد که در داخل، به جنگ مصرف‌کنندگان مواد مخدر رفته بود.

حمایت کارتل مدیلین از کتراها

مستقیم‌ترین ارتباطاتی که میان جنگ پنهان ریگان در نیکاراگوئه و کارتل‌های کوکابین وجود داشت در شهادت رامون میلان رودریگز^(۸۷) در برابر کمیته فرعی کمیته روابط خارجی سنا افشا شد. میلان رودریگز رئیس بخش تطهیر پول کارتل مدیلین^(۸۸) بود. وی فعالیت خود در زمینه حسابداری و تطهیر پول را در جریان تلاش‌های اولیه سیا برای سرنگون ساختن فیدل کاسترو در کوبا آغاز کرد. میلان رودریگز را مانوئل آرتایم «رهبر» کوبایی‌های ضد کاسترو در فلوریدا که از سرسپردگان سیا بود استخدام کرده بود. میلان رودریگز آموزش دیده بود تا روش‌های مالی پیچیده‌ای برای پنهان کردن منابع مالی اقدامات اولیه سیا بر ضد کوبا تمهید کند. وی بعدها از این مهارت‌ها برای کارتل کوکابین مدیلین استفاده کرد. میلان رودریگز در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵ از طریق واسطه‌های مالی در هندوراس، گواتمالا، کاستاریکا و میامی ۱۰ میلیون دلار کمک مالی قاچاقچیان کلمبیایی مواد مخدر را به دست کتراها رسانده بود.

قاچاق مواد مخدر توسط کتراها

به گواهی میلان رودریگز، کارتل مدیلین پذیرفته بود که در ازای جلب نظر مساعد واشینگتن، به کتراها کمک کند: «کارتل مدیلین فکر می‌کرد صرفاً کمی دوستی دولت آمریکا را جلب خواهد کرد. ما قصد داشتیم کمی نظر مساعد دولت را جلب کنیم و اندکی از آن سود ببریم. از نظر کارتل مدیلین ثمره این کار می‌توانست آن باشد که سیا یا اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا کمتر به پروپاچا بیچد.»^(۸۹)

بنابر شهادت میلان رودریگز، کمک کارتل قاچاق مواد مخدر به کتراها را فلیکس رودریگز^(۹۰) نماینده کارآموده و قدیمی سیا سرو سامان می‌داد. فلیکس رودریگز محل‌ها و زمان‌های مشخصی را برای واریز پول تعیین می‌کرد. میلان رودریگز در شهادت هایش گفت که «فلیکس به من درباره محل ارسال پول‌ها دستورهای داد.»^(۹۱) فلیکس رودریگز در پایگاه هوایی ایلوپانگوی^(۹۲) السالوادور مستقر بود و از آنجا عملیات هوایی ارسال کمک برای کتراها را تحت نظر داشت. مهم‌تر آن که فلیکس رودریگز مستقیماً به دفتر معاون جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا گزارش می‌داد و از آنجا کمک دریافت می‌کرد. در واقع، طی مدتی که پول‌های کارتل کوکابین برای کتراها ارسال می‌شد رودریگز مشخصاً سه بار با معاون رئیس‌جمهور آمریکا ملاقات داشت.^(۹۳)

کتراها در عین حال که از کارتل مدیلین پول نقد دریافت می‌کردند در دیگر فعالیت‌هایی هم که از رهگذر قاچاق مواد مخدر تأمین مالی می‌شد به شدت فعال بودند. جنگ پنهان دولت ریگان با تصویب اصلاحیه بولاند^(۹۴) در کنگره

در سال ۱۹۸۶ که تمام کمک‌های نظامی به کنترها را قطع می‌کرد جداً دچار مشکل شده بود. در نتیجه، شورای امنیت ملی دولت ریگان برای از سرگیری کمک به کنترها عملیاتی سری و غیرقانونی را با استفاده از منابع خصوصی ترتیب داد. این عملیات سری را سرهنگ دوم اولیور نورث^(۹۵) از شورای امنیت ملی هدایت می‌کرد (وی اینک از ارتش بازنشسته شده و به عنوان نامزد جمهوری خواهان برای نمایندگی در مجلس سنای آمریکا از ایالت ویرجینیا رأی نیاورده است).

بخشی از بودجه این عملیات تجهیز دوباره کنترها، حاصل پول‌هایی بود که از گروه‌های تجاری ثروتمند و دست راستی ایالات متحده و برخی منابع مالی مقتدر خارجی مانند شیوخ نفتی عرب تأمین می‌شد. اما بخش دیگری از منابع مالی تلاش‌هایی که برای تجهیز دوباره کنترها صورت می‌گرفت، حاصل فروش مواد مخدر بود که از محل آن محموله‌های سلاح برای کنترها خریداری می‌شد.

کلید این عملیات «قاچاق مواد مخدر در ازای اسلحه» مرزعه‌ای در شمال کاستاریکا بود که به یک آمریکایی به نام جان هول^(۹۶) تعلق داشت. گزارش کمیته فرعی تحقیق در کمیته روابط خارجی سنا حاکی از آن بود که هول در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ ماهانه ۱۰ هزار دلار از شورای امنیت ملی دریافت کرده است.^(۹۷) افسران عالی رتبه اطلاعاتی مدعی شدند که هول «پول خوبی دریافت کرده و هرآن چه را که سیا از وی خواسته انجام داده است».^(۹۸)

دو تن از راست‌گرایان کوبایی - آمریکایی به نام‌های فیلیپ و ایدال^(۹۹) ورنه کوربو^(۱۰۰) به عملیات مزرعه هول در کاستاریکا کمک می‌کردند. هوایماهای حامل کوکائین پابلو اسکوبار^(۱۰۱) و جورج اوچوا^(۱۰۲) در مزرعه هول تخلیه می‌شد و سپس همان کوکائین از راه هوا یا دریا به ایالات متحده قاچاق می‌شد. اسکوبار هول و اوچوا در ازای استفاده از تسهیلات مزرعه هول و کاری که توسط «رزمندگان آزادی» ریگان انجام می‌شد مبالغی پرداخت می‌کردند.

در شهادت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود این عملیات ارسال کوکائین تأیید شده است. برای نمونه، جورج مورالز^(۱۰۳) از قاچاقچیان مهم کوبایی-آمریکایی ساکن میامی که در سال ۱۹۸۴ در ایالات متحده به جرم قاچاق مواد مخدر محکوم گردیده بود اظهار داشته است که پس از اعلام محکومیتش افسران نظامی کنتر (که دست کم یکی از آنها به نام اوکتاویانو سزار^(۱۰۴) از عوامل سیا بود) برای معامله با وی تماس گرفتند و به او گفتند اگر به آنها کمک کند تا عملیات قاچاق مواد مخدر و اسلحه کنترها را سر و سامان دهند محکومیتش لغو خواهد شد.^(۱۰۵) مسلماً این پیشنهادی بود که مورالز نمی‌توانست نپذیرد. او ۳ میلیون دلار وجه نقد به کنترها هدیه کرد و خلبان، خانه و هوایما در اختیار آنان قرار داد. مورالز خلبانان خود را برای رساندن سلاح به مزرعه هول در کاستاریکا برای کنترها به خدمت گرفت. این خلبان‌ها از کاستاریکا با مواد مخدر بازمی‌گشتند. مورالز در مقابل هر پرواز ۳۰۰ هزار دلار به هول



می پرداخت. (۱۰۶)

ادعاهای مورالز را یکی از خلبان‌هایش تأیید کرد. او که گری بتز (۱۰۷) نام داشت جزئیات ارسال دو محموله سلاح به مزرعه هول و بار زدن مواد مخدر از آنجا را افشا کرد: «من دو محموله سلاح را با هواپیمای کوچکم به مزرعه جان هول در کاستاریکا رساندم و با نزدیک به هزار کیلو کوکائین به فلوریدا بازگشتم.» بهترین برآورد بتز این بود که محموله‌های هوایی مواد مخدری که تنها خود او به مقصد رسانده برای کنتراها در حدود ۴۰ میلیون دلار سود خالص داشته است. (۱۰۸)

اما خلبان دیگری به نام مایکل تولیور (۱۰۹) شواهدی ارائه کرده که روشن می‌ساخت چگونه خودش در مارس ۱۹۸۶ محموله‌ای به وزن ۲۸ هزار پوند سلاح را به پایگاه هوایی آگواکیت (۱۱۰) در هندوراس برده است. نیروهای کنترا پس از تخلیه این سلاح‌ها ۲۵۳۶۰ پوند ماری جوانا را در هواپیمای او بازرگیری کردند که او آن را مستقیماً به پایگاه نیروی هوایی هومستید (۱۱۱) در فلوریدا برد. تولیور بابت این پرواز ۷۵ هزار دلار دریافت کرد. (۱۱۲)

قاچاق مواد مخدر از مزرعه هول به ایالات متحده از راه دریا هم انجام می‌شد. در قاچاق مواد مخدر از راه دریا دو شرکت واردات غذایی دریایی مستقر در میامی به نام‌های اوشن هانتر (۱۱۳) و مستر شریمپ (۱۱۴) نقش اصلی را داشتند. هر دوی این شرکت‌ها را میلان رودریگز تأسیس کرده بود و هر دو تحت مالکیت فرانسیسکو «پاکو» چانز (۱۱۵) قرار داشتند. برای قاچاق مواد

مخدر از راه دریا، کوکائین را با کامیون از مزرعه هول در شمال کاستاریکا به بندر لیمون (۱۱۶) همان کشور می‌بردند تا در آنجا در بسته‌های میگوی منجمد جاسازی شود و به مقصد بنداری در خلیج مکزیک و از آنجا به میامی فرستاده شود. جیزز گارسیا (۱۱۷) معاون سابق کلانتر «دیدکانتی» در عملیات دو شرکت یاد شده همکاری داشت. وی شرکت اوشن هانتر را چنین توصیف می‌کند: «این شرکت تنها یک پوشش بود زیرا چیزی که آن‌ها می‌خواستند وارد کنند کوکائین بود.» (۱۱۸)

«پاکو» چانز و شریکش مومینرز داوگویرتو نانز (۱۱۹) از «کمک‌های بشر دوستانه» ای که دفتر کمک‌های بشر دوستانه برای نیکاراگوئه (۱۲۰) وابسته به وزارت خارجه آمریکا برای کنتراها در نظر گرفته بود مبلغ ۲۳۱۵۳۷ دلار دریافت کردند. این پول‌ها توسط شرکت پوششی دیگری به نام فیگوریفیکوس دو پونتارناس (۱۲۱) تطهیر می‌شد. بخشی از این مبلغ به حساب‌های بانکی در اسرائیل و کره جنوبی واریز می‌شد. ریاست دفتر کمک‌های بشر دوستانه برای نیکاراگوئه را به اصرار آدولفو کالرو (۱۲۲) از رهبران کنترا و اولیورنورث به رابرت اُون (۱۲۳) سپرده بودند. نزدیکان اُون قرارداد با چانز را این گونه توصیف کرده‌اند: شرکت‌های غذایی دریایی «دستخوشی بود که در ازای همکاری با نورث داده شده بود.» منابع دیگر تأیید کرده‌اند که اُون می‌دانست با قاچاقچیان مواد مخدر همکاری دارد و برای آن‌ها منابع مالی دست و پا می‌کند. (۱۲۴)

یکی دیگر از قاچاقچیان مواد مخدر هم از دست و دل بازی دفتر کمک‌های بشر دوستانه برای نیکاراگوئه سود برده است. در فوریه ۱۹۸۶ دفتر یادشده اجازه انعقاد قراردادی به ارزش ۹۷ هزار دلار را با مایکل بی پالمِر^(۱۲۵) معاون یک شرکت حمل و نقل هوایی به نام ورتکس^(۱۲۶) صادر کرد. پالمِر در ۱۹۸۵ در کلمبیا به جرم قاچاق مواد مخدر و بار دیگر در ۱۹ ژوئن ۱۹۸۶ به جرم توطئه و همراه داشتن مواد مخدر محکوم شده بود. در کیفرخواست، وی متهم شده که جزو دارودسته‌ای است که ۱۰۰۰ پوند ماری جوانا را از کلمبیا به ایالات متحده قاچاق کرده‌اند. در سپتامبر ۱۹۸۷ پالمِر بار دیگر متهم شد که جزو تشکیلات قاچاقچیان است که ۴۴ میلیون دلار کوکاین و ماری جوانا را از طریق هوا از کلمبیا وارد میشیگان کرده‌اند.

دفتر کمک‌های بشر دوستانه برای نیکاراگوئه سراغ دو قاچاقچی دیگر مواد مخدر هم رفت. با «ستکوایر»^(۱۲۷) که یک شرکت حمل و نقل هوایی متعلق به قاچاقچی هندوراسی رامون ماریا باستروس^(۱۲۸) بود و دیاسکا^(۱۲۹) که یک شرکت مستقر در میامی بود و به عنوان مرکز عملیات گسترده قاچاق مواد مخدر فلوید کارلتون^(۱۳۰) و آلفردو کابالرو^(۱۳۱) فعالیت می‌کرد قراردادی بسته شد.

نمونه‌های فراوان دیگری هم از قاچاق مواد مخدر توسط کنتراها وجود دارد. برای نمونه:

- از یک گروه مهم قاچاقچی کوکاین که از اوایل سال ۱۹۸۳ در کاستاریکا فعالیت می‌کرد و با کنتراها هم پیوندهایی داشت ۴۳۰ پوند

کوکاین در سانفرانسیسکو ضبط شد. این کوکاین از یک کشتی باری کلمبیایی تخلیه شده بود. قابل توجه آن که دولت ایالات متحده ۳۶۰۲۰ دلار پولی را که در این عملیات مبارزه با قاچاق از متهمان به قاچاق مواد مخدر ضبط کرده بود به جولیو زاوالا^(۱۳۲) بازگرداند زیرا وی با ارائه نامه‌هایی از رهبران کنتراها مدعی بود آن پول متعلق به آنهاست. زاوالا در جریان محاکمه شهادت داد که حدود ۵۰۰ هزار دلار به فرناندو چامورو^(۱۳۳) از رهبران کنترا که همکاری نزدیکی با جان هول داشت پرداخت نموده است.^(۱۳۴)

- فرد دیگری که در ماجرای قاچاق مواد مخدر به سانفرانسیسکو دست داشت نوروین منسر کانترو^(۱۳۵) برادر رئیس پلیس سابق ماناگوا در دوران دیکتاتوری سوموزا بود که پس از به قدرت رسیدن ساندینسیت‌ها از کار خود برکنار شده بود. در یادداشت ۶ فوریه ۱۹۸۴ اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا از منسر کانترو به عنوان «سرکرده علنی یک سازمان جنایی که مسئول قاچاق چندین کیلوگرم کوکاین به ایالات متحده بوده است» یاد شده است.^(۱۳۶)

- یکی دیگر از کسانی که در پرونده ضبط کوکاین در سانفرانسیسکو دست داشت هوراشیو پیرا^(۱۳۷) از حامیان کنتراها بود که در کاستاریکا زندگی می‌کرد. پیرا در سال ۱۹۸۶ توسط مقامات کاستاریکا بازداشت شد. در جریان محاکمه وی نوار مکالمات تلفنی او با خوان سباستین گونزالز مندیلولا^(۱۳۸) از رهبران کنترا که در خارج از مزرعه جان هول فعالیت

می‌کرد پخش شد: «آنها در گفتگوی تلفنی خود از مقادیر زیادی کوکائین که در حال ارسالش به ایالات متحده بودند سخن به میان آورده بودند. این مکالمات نشان می‌دهد که دلآلان مواد مخدر با رهبران رده بالای دولت کاستاریکا پیوند دارند.» (۱۳۹)

از چه چیزهایی چه زمانی خبر داشتند؟

ظاهراً قاچاق کوکائین توسط کنترها بخش مهمی از استراتژی آنها برای تأمین منابع مالی لازم برای براندازی دولت نیکاراگوئه از طریق اقدامات خشونت بار بوده است. اما این پرسش به جای خود باقی است که آیا مقامات رده بالای ایالات متحده از قاچاق مواد مخدر خبر داشتند و اگر از آن مطلع بودند برای متوقف ساختن آن چه اقدامی صورت دادند؟ براساس تمام قرائن و شواهد، مقام‌های ایالات متحده از این جریان با خبر بوده‌اند. در اوایل ماه مه ۱۹۸۵ رئیس پایگاه اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا در سان خوزه (۱۴۰) کاستاریکا به روزنامه‌نگاران گفت: «ما گزارش‌هایی در اختیار داریم که نشان می‌دهد برخی گروه‌ها به بهانه ارسال سلاح برای شورشیان کنترها مشغول قاچاق مواد مخدر به ایالات متحده هستند.» (۱۴۱) در ماه مه ۱۹۸۶ شبکه خبری ABC گزارش داد که بازرسان کمیته فرعی روابط خارجی سنا شواهدی کشف کرده‌اند که نشان می‌دهد «کنترها محموله‌های قاچاق را در قایق‌های تجاری حمل می‌گو از آمریکای مرکزی به منطقه میامی فرستاده‌اند.» در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۷ روزنامه نیویورک تایمز چنین

گزارش داد: «به گفته مقامات چندین اداره دولتی ایالات متحده، در اوایل پاییز گذشته [۱۹۸۶] اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا در گواتمالا دلایل متقنی به دست آورده که نشان می‌دهد عملیات ارسال تدارکات نظامی برای کنترها در واقع عملیات قاچاق کوکائین و ماری جوانا بوده است.»

در فوریه ۱۹۸۶ جک بلوم (۱۴۲) مشاور اصلی کمیته فرعی روابط خارجی سنا که درباره عملیات تجهیز مجدد کنترها تحقیق می‌کرد اظهار داشت: «براساس چیزهایی که شنیده‌ایم معتقدیم هیچ تردیدی وجود ندارد که کنترها و تشکیلات وابسته به آنها در تجارت کوکائین و وارد ساختن آن به فلوریدا دست داشته‌اند.» و بالاخره این که کمیته منتخب مجلس نمایندگان آمریکا در مورد سوء استفاده از مواد مخدر و کنترل آن (۱۴۳) که به همت چارلز رانگل (۱۴۴) عضو مجلس نمایندگان تشکیل شده است گزارشی از اداره گمرک ایالات متحده دریافت کرد که در آن از ۳۸ فرد و شرکت فعال در عملیات تجهیز مجدد کنترها به عنوان عناصر دست اندرکار قاچاق مواد مخدر نام برده شده بود. حتی شواهد قانع کننده‌تری هم وجود دارد که ثابت می‌کند بالاترین سطوح دولت ریگان از عملیات قاچاق مواد مخدر با خبر بوده‌اند. در واقع، براساس مدارک مستند جمع‌آوری شده توسط کمیته فرعی روابط خارجی سنا اکنون روشن است که سرهنگ دوم اولیور نورث نه تنها از قاچاق مواد مخدر اطلاع داشته، بلکه برای متوقف ساختن آن هیچ تلاشی نکرده

مبارزاتش برای انتخاب به نمایندگی مجلس سنا مورد حمله قرار داده بود نقض گردید.

پانوشتها

1. American Society of Criminology
2. State- organized crimes
3. W.J. Chambliss, **On the Take: From Petty Crooks to Presidents**, 2nd ed., (Bloomington, IN: Indiana University Press, 1988), p. 327.
4. blowback
5. W.J. Chambliss, State - Organized crime, Paper Presented at the annual meeting of the American Society of Criminology, November, 1986.
6. **Ibid.**
7. **Ibid.**
8. J. Prados, **President's Secret Wars**, (New York: William Morrow, 1986); P. Beirne and J. Messerschmidt, **Criminology**, (New York: Harcourt Brace Jovanovich, 1991), pp. 258- 259.
9. Simon and Eitzen, **op. cit.**, p. 158.
10. Berine and Messershmidt, **op. cit.**, p. 258.
11. Jacobo Arbenz
12. E. Herman, **The Real Terror (Network)**, Boston: South End Press, 1982), p. 176; Beirne and Messerschmidt, **op. cit.**, p. 259.
13. United Fruit Company
14. Fidel Castro
15. Fulgencia Batista
16. H. Kruger, **The Great Coup**, (Boston: South End Press, 1980); W. Hinckle and W. Turner, **The Fish Is Red: The Story of the Secret War against Castro**, (New York: Harper & Row, 1981); Berine and Messerschmidt, **op. cit.**, pp. 259- 261.

است. در ۲۸ مارس ۱۹۸۶ لوییس تامبز^(۱۴۵) سفیر ایالات متحده در کاستاریکا با استفاده از مجاری ارتباطی سیا پیامی برای نورث فرستاد که در آن آمده بود آدولفو چامورو^(۱۴۶) از رهبران کنترا «بنا به برخی ادعاها در قاچاق مواد مخدر دست دارد.» در اول آوریل ۱۹۸۵ راب اُون^(۱۴۷) یادداشتی برای اولیور نورث فرستاد و در آن خوزه روبلو را به عنوان فردی که «فعالانه در قاچاق مواد مخدر دست دارد» توصیف کرد. در همان یادداشت آمده بود که سبستین گونزالز از دیگر رهبران نظامی کنترا «اکنون در قاچاق مواد مخدر از پاناما دست دارد.» در ۱۰ فوریه ۱۹۸۶ اُون در یادداشتی به نورث صراحتاً اعلام کرد که از یک DC۴ که برای عملیات تجهیز مجدد کنتراها استفاده می شد «یک بار برای قاچاق مواد مخدر استفاده شده است و بخشی از خدمه آن جنایتکاران سابقه داری بوده اند.» سرانجام این که خود نورث در یادداشت هایی که از جلسه ۹ اوت ۱۹۸۵ خودش با رابرت اُون تهیه کرده بود نوشته بود که «DC۶ که برای ارسال کمک از نیواورلئان استفاده می شود احتمالاً برای قاچاق مواد مخدر به ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفته است.»

سرهنگ دوم نورث سرانجام به علت شهادت دروغی که درباره نقش خودش در ماجرای ایران کنترا در برابر کمیته های کنگره داده بود محکوم شد. طرفه این که حکم محکومیت نورث در دادگاه تجدید نظر فدرال براساس یکی از همان تکنیک های حقوقی که خود وی در طول



17. Operation 40.
18. Sam Giancana
19. Sanfo Trafficante
20. Johnny Roselli
21. Bay of Pigs
22. Dade County
23. Herman, **op. cit.**
24. Salvador Allende
25. Simon and Eitzen, **op. cit.**;
Beirne and Messerschmidt, **op. cit.**, p. 263.
26. IT & T
27. General Pinochet
28. DINA
29. Operation Condor
30. Herman, **op. cit.**
31. Office of Naval Intelligence
32. Meyer Lansky
33. Albert Anastasia
34. "Lucky" Luciano
35. Simon and Eitzen, **op.cit.**, p. 81.
36. H. Messick and B. Goldblatt, **The Only Game in Town**, (New York: Thomas Y. Crowel, 1976).
37. Vito Genovese
38. F. Pearce, **Crimes of the Powerful: Marxism, Crime and Deviance**, (London: Pluto Press, 1976), p. 149;
Simon and Eitzen, **op. cit.**, p. 81.
39. Ho Chi Minh
40. Viet Minh
41. Corse
42. Pearce, **op. cit.**, p. 150.
43. Kuomintang
44. Civil Air Transport
45. Sea Supply Corporation
46. A. Mc Coy, **The Politics of Heroin in Southeast Asia**, (New York: Harper and Row, 1972);
J. Kwitny, **The Crimes of Patriots: A True Tale of Dope, Dirty Money, and the CIA**, (New York: Norton, 1987).
47. Chang Chi- fu
48. Golden Tringle
49. Li Wen- huan
50. Lu Hsu- shui
51. Drug Enforcement Administration
52. J. Mills, **The Underground Empire**, (New York: Doubleday, 1986).
53. Hmong
54. Meo
55. Vang Pao
56. Pathet Lao
57. Viet Cong
58. Air America
59. Long Tieng
60. John J. O' Neill
61. Kwitny, **op. cit.**, p.51.
62. Castle Bank
63. Bank of Perrine
64. World Finance Corporation
65. P. Lernoux, **In Banks We Trust**, Garden City, NY: Anchor Press, 1984.
66. Nugan- Hand Bank
67. Kwitny, **op. cit.**;
New York Times, March 8, 1987.
68. Jonathan Kwitny
69. Kwitny, **op. cit.** p. 76.
70. Earl F. Yates
71. William Colby
72. Walter Mc Donald
73. Guy Parker
74. Andrew Lowe
75. Bank of Credit and Commerce International
76. V. Kappeler, M. Blumberg and G Potter, **The Mythology of Crime and Criminal Justice**, (Prospect Heights, IL: Waveland Press, 1993), pp. 237- 238.
77. Manuel Noriega
78. Adnan Khashoggi
79. Contras
80. Ferdinand Marcos

81. Brigade 2506
 82. Manuel Artime
 83. **New York Times**, January 1, 1975.
 84. Sandinista
 85. Nancy Reagan
 86. Chambliss, **op. cit.**
 87. Ramon Milian- Rodriguez
 88. Medellin Cartel
 89. **Newsday**, June 28, 1987.
 90. Felix Rodriguez
 91. L. Cockburn, **Out of Control**,
 New York: Atlantic Monthly Press, 1987,
 p. 155.
 92. Illopango
 93. **Ibid.**
 94. Boland Amendment
 95. Lt. Colonel Oliver North
 96. John Hull
 97. J. Kerry, **Interim Report**,
 Subcommittee on Narcotics, Terrorism
 and International Operations, United
 States Senate, Washington, DC: U. S.
 Government Printing Office, 1986, p. 10.
 98. **Boston Globe**, July 20, 1986.
 99. Felipe Vidal
 100. Rene Corbo
 101. Pablo Escobar
 102. Jorge Ochoa
 103. George Morales
 104. Octaviano Cesar
 105. CBS News, **West 57 th**, April 6, 1987.
 106. **Ibid.**
 107. Gary Betzner
 108. Cockburn, **op. cit.**, p. 17.
 109. Michael Tolliver
 110. Aguacate
 111. Homestead
 112. **Newsday**, April 6, 1986;
 Cockburn, **op. cit.**, p. 183.
 113. Ocean Hunter, Inc.
 114. Mr. Shrimp, Inc.
 115. Francisco "Paco" Chanes
 116. Limon
 117. Jesus Garcia
 118. Cockburn, **op. cit.**, p. 157.
 119. Moises Dagoberto Nunez
 120. Nicaraguan Humanitarian Aid
 Office
 121. Figorificos de Puntarenas
 122. Adolfo Calero
 123. Robert Owen
 124. **Ibid.**, pp. 160-161.
 125. Michael B. Palmer
 126. Vortex, Inc.
 127. SETCO Air
 128. Ramon Maria Ballesteros
 129. DIASCA
 130. Floyd Carlton
 131. Alfredo Caballero
 132. Julio Zavala
 133. Fernando Chamorro
 134. Kerry, **op. cit.**, p. 10;
San Francisco Examiner, March 16,
 1989 and June 23, 1986.
 135. Norwin Meneses- Cantero
 136. **San Francisco Examiner**, June 23,
 1986.
 137. Horacio Pereira
 138. Juan Sebastian Gonzalez- Mendiola
 139. CBS News, **West 57 th**, June 12, 1986.
 140. San José.
 141. **Tico Times**, May 31, 1985.
 142. Jack Blum
 143. House Select Committee on
 Narcotics Abuse and Control
 144. Charles Rangel
 145. Lewis Tambs
 146. Adolfo Chamorro
 147. Rob Owen